



**Adel Sarikhani**

Prof. of the Department  
of Criminal Law, Faculty  
of Law, Qom University,  
Qom, Iran.  
adelsari@yahoo.com

## The Mutual Role of Security and Independence with Press Crimes in Islam and Enacted rights

### Abstract

Although the issue of security, independence, freedom of expression and press crimes are not related to each other, but after examination and research, it is clear that security and independence on the one hand, and the issue of freedom of expression and press crimes on the other hand, have a very deep connection and causal relationship with each other. One of the concerns approved by Sharia, reason and law has always been avoiding chaos and ensuring security and independence, but the method of maintaining security and independence has always changed.

In the past, military equipment was often used as a means of maintaining security and stability, and freedom of speech and the press were often considered a threat to security. However, in recent decades, although the limits of criminalization in press crimes have become very important for security and independence, the maximum method of creating security and preserving independence is public participation and freedom of expression and actions through the media, including the press, which is contradictory.

In this article we have examined, this basic question « what is basically the causal relationship between independence and security on the one hand and legitimate freedoms, especially freedom of speech on the other hand? “ with a descriptive and analytical method.

The most important result of the research is that from an Islamic point of view and based on the verses of the Holy Qur’an, the maximum participation of the people through legitimate freedoms is the cause of maintaining the country’s independence and security, and there is a causal relationship between independence and security.

### Keywords:

security, independence, press crime, basics of criminalization;

## نش مقابل امنیت و استقلال با جرایم مطبوعاتی در اسلام و حقوق موضوعه

### چکیده

گرچه دربدو نظر مسئله امنیت و استقلال و آزادی بیان و جرائم مطبوعاتی کم ارتباط می‌نماید، اما پس از بررسی و تحقیق معلوم می‌گردد که امنیت و استقلال از یک طرف و مسئله آزادی بیان و جرائم مطبوعاتی، ارتباط بسیار عمیق و رابطه علت و معلول با یکدیگر دارند. یکی از دغدغه‌های مورد تأیید شرع و عقل و قانون همواره پرهیز از هرج و مرج و تأمین امنیت و استقلال بوده است و خواهد بود. لکن شیوه و روش حفظ امنیت و استقلال همواره دگرگون شده است. در زمان‌های گذشته غالباً ابزار حفظ امنیت و استقلال وسایل نظامی بوده است و غالباً آزادی بیان و مطبوعات را مغل امنیت تلقی می‌نمودند. لکن در دهه‌های اخیر گرچه حدود و ثغور جرم‌انگاری در جرایم مطبوعاتی با رویکرد امنیت و استقلال اهمیت به‌سزایی یافته است ولی روش حداکثری تأمین امنیت و حفظ استقلال ایجاد مشارکت عمومی و اعطاء آزادی بیان و اعمال آن از طریق رسانه و از آن جمله مطبوعات به حساب آمده است که این امر تا حدودی در ظاهر دارای تعارض است. در این مقاله که با روش توصیفی و تحلیلی به این سؤال اساسی که اساساً چه رابطه علی، معلولی بین استقلال و امنیت از طرفی و آزادی‌های مشروع به‌خصوص آزادی بیان وجود دارد؟ پرداخته‌ایم. مهم‌ترین نتیجه تحقیق آن است که از منظر اسلامی و مستنداً به آیات قرآن کریم اساساً جلب مشارکت حداکثری مردم از طریق آزادی‌های مشروع علت‌العلل حفظ استقلال و امنیت کشور است و بین استقلال و امنیت رابطه علت و معلول برقرار است.

### واژگان کلیدی:

امنیت، استقلال، جرم مطبوعاتی، مبانی جرم‌انگاری.

## مقدمه

واژه امنیت و استقلال عمدتاً به نوعی احساس روانی اطلاق می‌گردد که در آن به خاطر مبرا بودن، از ترس، وضعیت آرامش و اطمینان خاطر حاصل می‌گردد. در امنیت این احساس به فرد یا جامعه از بعد داخلی مربوط می‌گردد و در استقلال به حاکم و کشور در بعد خارجی مربوط است. در حقیقت امنیت به بعد داخلی و استقلال به بعد بین‌المللی امنیت یک کشور اشاره می‌کند. پدیده‌هایی که ممکن است باعث ترس شده و آرامش و اطمینان خاطر افراد را مختل سازند، بسیار متعدد و در عین حال پیچیده‌اند. با گذشت زمان و ایجاد تغییراتی در توقعات و نیازهای انسان‌ها، متغیرهای جدیدی برای تعریف امنیت و استقلال وارد عرصه می‌شوند. هر چند در مفهوم کلی، امنیت و استقلال به برحذر بودن از خطرانی اطلاق می‌گردد که منافع و ارزش‌های انسان‌ها و سرزمین آنان را تهدید می‌کند، اما ماهیت آن در سطوح مزبور پیوندی تنگاتنگ به همدیگر دارند. با پیچیده‌تر شدن ساختار اجتماعات بشری، سطح وابستگی متقابل امنیتی بالاتر رفته است به طوری که اصلاحاتی چون امنیت ملی، امنیت بین‌المللی و امنیت جهانی وارد قاموس مطالعات امنیتی گردیده‌اند. امروزه نیز برخی محققان با زیر سؤال بردن ساختار امنیتی، از واژه‌هایی چون امنیت جهانی و امنیت بشری سخن می‌گویند. از طرف دیگر در حوزه محتوایی امنیت نیز تحولاتی به وقوع پیوسته است. امروزه محوریت امنیت نظامی و حفظ استقلال با تکیه به آن زیر سؤال رفته است و امنیت بین‌المللی در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی تعریف می‌گردد. باری بوزان از محققان برجسته مطالعات امنیتی، امنیت اجتماعات بشری را که غالباً در شکل امنیت بین‌المللی تعریف می‌گردد، به پنج مقوله تقسیم نموده است: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی. این پنج بخش جدا از یکدیگر عمل نمی‌کنند، بلکه هر یک از آنها دارای کانون مهمی در دوران مسئله امنیت و روشی برای تنظیم اولویت‌ها بوده و از طریق ارتباطات قوی همگی به همدیگر متصل هستند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴). ممکن است برخی تصور نمایند که امنیت در سطح دوران دولت - ملت‌ها اهدافی چون دموکراسی و توسعه و در سطح بین‌المللی نیز اهدافی چون صلح را مد نظر قرار می‌دهد، لیکن امروزه نگرش‌های شالوده‌شکن در مطالعات امنیت، اهداف امنیتی را نسبی و بسیار پیچیده می‌بیند. نکته دیگر این که اهداف امنیتی ضرورتاً در موازات همدیگر حرکت نمی‌کنند؛ برای مثال اهداف امنیتی سیاسی یک دولت، ممکن است چالشی برای اهداف امنیتی اقتصادی آن کشور باشد، یا این که اهداف امنیتی اقتصادی

منجر به چالش امنیتی محیط زیست شوند. از سوی دیگر ابزارهای حفظ امنیت و استقلال نسبت به گذشته فوق‌العاده متحول شده است. در گذشته عمده ابزارهای حفظ امنیت و استقلال قدرت سخت و ابزارهای نظامی بود. اما امروزه علاوه بر ابزارهای مزبور قدرت نرم مانند علم که در اسلام مورد تأکید است و امام المومنین علی علیه السلام آن را با عنوان سلطان یاد فرموده است جلب مشارکت مردم از طریق آزادی‌های مشروع مانند مطبوعات آزاد، توسعه حق مطالبه‌گری و آزادی بیان و اجتماعات از ابزارهای مهم حفظ استقلال و امنیت است. بنابراین سؤال اصلی این پژوهش کشف رابطه بین استقلال و امنیت از طرفی با جرائم مطبوعاتی است که تقلیل آن موجب استحکام بیشتر استقلال و امنیت خواهد شد.

## الف: مفاهیم

### ۱. امنیت

امنیت (به تشدید «ی») به معنای ایمنی، آرامش و آسودگی است (عمید، ۱۳۶۳: ذیلِ امنیّت). برخی نیز آن را به معنای آرامش و اطمینان پس از ترس و هراس دانسته‌اند. (جر، خلیل ۱۳۹۱: ۳۲۷). در قرآن کریم نیز این واژه به معنای آرامش استعمال شده است: «ولقد جعلنا البیت مثابة للناس وامناً»<sup>۱</sup> و راغب ریشه واژه‌های «ایمان» و «امنیت» را یکی دانسته است: «ان الايمان هو التصديق الذی معه الامن» (الراغب الاصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۹۱). عده‌ای نیز آن را «بی‌ترسی، بی‌بیمی و راحتی» (نک: دهخدا، ۱۳۷۳: ذیلِ امنیّت). ترجمه کرده‌اند. بنابراین «امنیت» از کلمه «امن» مشتق شده که معنای آن «امانت ضد خیانت» و معنای دیگرش «آرامش و اطمینان قلب» است.

در تعریف امنیت بین متفکران اتفاق نظر وجود ندارد و در این باره تعاریف گوناگونی ارائه شده است. تا اواخر قرن نوزدهم میلادی تعریف جامعی از امنیت ملی ارائه نشده بود. «این واژه در قرن بیستم خصوصاً بعد از جنگ دوم جهانی متداول شد» (ماندل رابرت، ۱۳۷۳: ۴۳). برخی درباره امنیت ملی گفته‌اند: «امنیت ملی نماد ابهام‌آمیزی است که اصلاً ممکن نیست دارای معنای دقیق باشد. امنیت ملی از لحاظ مفهومی، ضعیف و از نظر تعریف، مبهم است؛ ولی از نظر

۱- بقره ۲ آیه ۱۲۵.

سیاسی، مفهومی قدرتمند باقی مانده است» (همان: ۴۹). این واژه در دائرةالمعارف علوم اجتماعی چنین تعریف شده است: توان یک ملت در حفظ ارزش‌های داخلی از تهدیدات خارجی» (همان: ۵۰). سازمان ملل متحد نیز آن را چنین تعریف کرده است: «این که کشورها هیچ‌گونه احساس خطر حمله نظامی، فشار سیاسی یا اقتصادی نکرده و بتوانند آزادانه گسترش و توسعه خویش را تعقیب کنند» (نک: ساروخانی، ۱۳۸۰، ۵۵) و بالاخره فرهنگ علوم سیاسی، امنیت ملی را چنین بیان می‌کند: «امنیت ملی عبارت است از اساس آزادی کشور در تعقیب هدف‌های اساسی و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع سیاسی، اساسی و حیاتی کشور است» (آقابخشی، ۱۳۶۳: ۱۷۳). بنابراین امنیت یعنی این که اجزاء یک کشور (ملت، خاک و حاکمیت) در رسیدن به اهداف عالی خویش با خطری مواجه نباشند. امنیت با سه موضوع مهم «مردم، کشور و حکومت» در ارتباط است و تهدید هر کدام از این موارد، تهدید امنیت به شمار می‌آید (صدر، ۱۳۷۴: ۳-۴).

ویژگی‌های امنیت؛ نسبی، تجزیه‌ناپذیر و ذهنی بودن آن است (نظافت، ۱۳۸۰: ۵۰). مراد از ذهنی بودن امنیت این است که اصولاً احساس امنیت و عدم آن، برداشت و امری ذهنی است که ریشه در باورهای اخلاقی و فرهنگی مردم و رهبران یک کشور دارد که جمع‌بندی این باورها باعث می‌شود یک ملت یا رهبران آن کشور را دشمن یا دوست تلقی کنند (کاظمی، ۱۳۷۰: ۸). گرچه ارائه تعریفی جامع و مانع از امنیت مشکل است، اما در بیانی مختصر می‌توان امنیت را چنین تعریف کرد: امنیت عبارت است از این که جامعه و افراد در رسیدن به ارزش‌های مورد حمایت قانون (در آن جامعه) با ترس و تهدید مواجه نباشند.

در قرآن کریم، کلمه فوق و واژه‌های هم‌خانواده آن فراوان به کار رفته و در روایات نیز از آن با اهمیت زیادی یاد شده است. از رسول گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> و امیرمؤمنان<sup>(ع)</sup> نقل شده است که «دو نعمت در میان مردم مجهول است: یکی امنیت و دیگر صحت و سلامتی (تمیمی آمدی، بی‌تا ج ۳: ۴۳). و از امیرمؤمنان<sup>(ع)</sup> نقل شده است که هیچ نعمتی مانند امنیت شیرین نیست.<sup>۱</sup> از این قبیل روایات در متون روایی فریقین فراوان نقل شده است.

۱- «نعمتان مجهولتان، الصحة والامان».

در هر کشوری اعم از اسلامی و غیراسلامی، امنیت و تأمین آن از مهم‌ترین اولویت‌ها در سیاست داخلی و خارجی شمرده می‌شود. در حقیقت فلسفه اصلی تأسیس هر دولتی دو مسئله اساسی «تأمین امنیت شهروندان» و «تحصیل منافع عمومی» است.

پس از شکل‌گیری عناصر اصلی دولت (قلمرو، مردم، حکومت) بر اساس فلسفه اولی تأسیس دولت، نهادها و سازمان‌های گوناگون برای تأمین امنیت به وجود می‌آید و بدون امنیت هیچ برنامه‌ای در کشور قابل اجرا نیست. دو مسئله اساسی «تأمین امنیت شهروندان» و «تحصیل منافع عمومی» به تعبیری در اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است.

## ۲. استقلال

مفهوم استقلال نسبت به گذشته متحول شده است. در گذشته، استقلال کشور را به مفهوم نبود تهدید نظامی و محافظت از کشور در برابر حمله نظامی می‌دانستند. عده‌ای نیز بر تعریف کلاسیک مفهوم استقلال پافشاری می‌کردند و آن را توانایی کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع کشور می‌دانستند. در این تعاریف، بر بُعد نظامی استقلال تأکید و مقاومت در برابر تهدید نظامی مفروض تلقی شده است.

این تعاریف عمدتاً پس از رنسانس ارائه شده و در زمان‌های بعد از دوران جنگ سرد و در جنگ‌های کشورهای اروپایی به‌ویژه جنگ جهانی اول و دوم ادامه و رواج داشته است؛ اما رشد فناوری، توسعه ارتباطات، تحولات صنعتی و گسترش روابط فرهنگی و تجاری و از همه مهم‌تر پدیده جهانی‌شدن، چهره جهان را به شکل شگفت‌انگیزی تغییر داده که در پی آن مفهوم استقلال نیز دستخوش تحولاتی شده است. در این تحولات، ابعاد مربوط به تهدید نظامی و قدرت ارتش‌ها در تأمین استقلال، کم‌رنگ‌تر شده و ابعاد مربوط به توانمندی‌های اقتصادی، فرهنگی و میزان مشارکت مردم در ساختار سیاسی نقش محوری‌تری یافته است.

تحول در مفهوم استقلال و امنیت خارجی بر مبنای خارج شدن آن از سایه تمام‌عیار تهدید نظامی و نقش‌یابی مؤلفه‌های جدید، پس از فروپاشی اردوگاه شرق و پیروزی انقلاب اسلامی مسجّل شده است؛ زیرا اضمحلال استقلال شوروی سابق، در عرصه‌های نظامی نبود؛ بلکه در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی روی داد.

با توجه به رویکرد جدید می‌توان استقلال را این چنین تعریف کرد: «رسیدن ملتی به توانمندی و ابزاری که با تمسک به آن از تهدیدهای خارجی در امان باشد و سلطه سیاسی، اجتماعی و نظامی بیگانه را دفع و از ارزش‌های حیاتی خود در صلح و جنگ، دفاع و حراست کند؛ به بیان دیگر با ابزارهای فوق از موجودیت و تمامیت ارضی کشور حفاظت کند» (دری نجف آبادی، ۱۳۷۹، ۹۸)

«حاکمیت» به عنوان مهم‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده دولت، دارای دو بعد داخلی و خارجی است. از حاکمیت خارجی یا امنیت بین‌المللی یک کشور به استقلال آن کشور تعبیر می‌شود. استقلال مستلزم نفی هر گونه تبعیت یا وابستگی یک کشور به دولت‌های خارجی است. پیش‌نویس اعلامیه حقوق و تکالیف دولت‌ها در سال ۱۹۴۹ م که توسط کمیسیون حقوق بین‌المللی تهیه شده، استقلال را اهلیت یک دولت برای رفاه شهروندان و توسعه خود به دور از سلطه دیگر دولت‌ها تعریف کرده است.

در گذشته، استقلال مفهوم دیگری داشت و به استقلال شخص حاکم گفته می‌شد. توماس هابز فیلسوف سیاسی انگلیسی در کتاب لویاتان در این باره می‌نویسد: «در کشور فقط یک نفر باید مستقل و دارای حق حاکمیت باشد و حکمرانی او نیز نامحدود بوده و مقید به هیچ شرطی نباشد» (عالیخانی، ۱۳۷۳: ۵۵ - ۵۶).

اما بعداً بر اثر انقلاب سال ۱۶۴۰ م انگلستان و سپس انتشار آثار نویسندگانی همچون منتسکیو، ژان ژاک روسو و ولتر و جنبش دهه ۱۷۷۰ م مردم امریکای شمالی برای کسب استقلال و آزادی خود در قبال امپراتوری انگلیس و وقوع انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ م و اعلامیه‌ای که انقلابیون منتشر کردند، مفهوم استقلال تغییر کرد (نک: همان: ۶۵) و به تدریج بین استقلال و دموکراسی ارتباط برقرار و از آن به دو روی یک سکه تعبیر شد. میان استقلال و آزادی، قرابت‌های علمی و عینی غیرقابل تردیدی هست که این دو واژه را درباره حاکمیت به یکدیگر پیوند می‌دهد. استقلال بیانگر عزم و اراده یک ملت در تعیین سرنوشت خود بدون تبعیت از خارجی‌ان است. استقلال در صدر شعار قرار داشت و دارد که جهت‌گیری انقلاب اسلامی را در گذشته، حال و آینده تعیین می‌کند؛ بر همین، اساس شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» از محوری‌ترین شعارهای ملت ایران در گذشته و حال است. این شعار مدت‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بیانگر خواست انقلابیون بوده و اکنون پس از گذشت حدود سه دهه از پیروزی انقلاب همچنان تعیین‌کننده مسیر نظام جمهوری اسلامی است. در نتیجه، امروزه استقلال تنها به استقلال نظامی تعریف نمی‌شود؛ بلکه مهم‌تر

از جنبه نظامی باید به مؤلفه‌های دیگر توجه کرد. پس از تعریف اجمالی مفهوم استقلال، نظر اسلام را درباره استقلال به طور مختصر بیان می‌کنیم.

### ۳. مطبوعات

در فرهنگ‌های لغت فارسی، عربی و انگلیسی به جای واژه «مطبوعات» از کلماتی مانند روزنامه، جریده و صحیفه استفاده و واژه مطبوعات که ریشه آن «طبع» است نیز در معانی مختلفی استعمال شده است. منظور از مطبوعات در معنای عام آن، هر گونه ورقه و نشریه اعم از روزنامه به معنای رایج، مجله، اعلامیه یا بیانیه و امثال آن‌ها است (رحیمی، ۱۳۵۷: ۱۶۲). در برخی از فرهنگ‌ها در بیان معانی طبع و مطبوعات چنین آمده است: «مهر زدن، نشان گذاشتن، علامت زدن، چاپ کردن، سرشت و...» (آذرتاش آذرنوش، ۱۳۷۹: ۳۸۸). با توجه به معنای مورد نظر از مطبوعات در بعضی از منابع، مطبوعات به معنای هر چیزی است که چاپ شده باشد. ویژگی اصلی مطبوعات در معنای عام، چاپی بودن آن است. یکی از معانی «طبع» در کتاب‌های لغت به معنای همان «مهر زدن» است. (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ ق: ۱۱۹ - ۱۲۰). در قرآن نیز این واژه به همین معنا به کار رفته<sup>۱</sup> و در کتاب مفردات راغب گفته شده است: «طبع آن است که شیئی را به صورتی و شکلی درآورد؛ مثل طبع سکه و درهم، و طبع اعم از ختم است. از این جهت به سحیه و خلق انسان طبع گفته‌اند که سحیه نقش بستن صورت و شکلی در نفس انسان است». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۳۰۱). صاحب کتاب قاموس قرآن در توضیح اعم بودن طبع می‌گوید: «طبع از ختم اعم است؛ زیرا ختم فقط مهر زدن می‌باشد؛ ولی طبع در آن و نیز در تصویر و منقش کردن به کار می‌رود». (قرشی، ۱۳۶۷: ۲۰۵).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در کتب لغوی قدیم «طبع» و «مطبوع» به معنای ورقه چاپ شده به کار نرفته و این واژه در کتب لغوی معاصر استعمال شده است. بنابراین، این سؤال مطرح می‌شود که مناسبت استعمال واژه «طبع» در اوراق چاپی چیست؟ با توجه به تعریف کتب لغوی فوق از معنای «طبع» پاسخ این پرسش روشن می‌شود که بین معنای قدیم و جدید کاملاً ارتباط و علاقه وجود دارد؛

۱- در آیاتی از قرآن واژه طبع به معنای مهر زدن استعمال شده است: مانند آیات: ۱۰۸ سوره نحل اولئک الذین طبع الله علی قلوبهم و ابصارهم، ۱۶ سوره محمد و ۱۰۰ سوره اعراف. البته در قرآن گاهی نیز از کلمه «ختم» استفاده شده است: «ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم...» (بقره (۲) آیه ۷).

زیرا طبع یعنی ایجاد نوعی نقش و نگار و اثر مخطوط در اوراق که این معنا کاملاً در مطبوعات و اوراق چاپی وجود دارد؛ یعنی اوراق چاپی همان ایجاد خط و نقش است. گویا با توجه به این ارتباط، مطبوعات در لغت فارسی نیز به همین معنا آمده است. برخی گفته‌اند: «مطبوعات به معنی نوشتجات چاپی آمده است و جمع مطبوع است به معنی طبع شده، چاپ شده...» (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل مطبوعات). اما درباره تعریف مطبوعات با وجود سابقه ۱۷۰ ساله مطبوعات در کشور ما و با وجود سابقه حدود یکصد ساله قانون‌گذاری در قلمرو مطبوعات و تصویب شش قانون مطبوعاتی و ده‌ها ماده واحد، هنوز تعریف معینی از جرائم مطبوعاتی وجود ندارد. این تعریف از جهت حفظ حقوق و آزادی‌های مطبوعاتی، حفظ حقوق مردم برای دستیابی سریع به اطلاعات و نیز حقوق عمومی اهمیت بسزایی دارد. رسیدگی خاص به جرائم مطبوعاتی از قبیل حضور هیئت منصفه و علنی بودن محاکمه و برخورداری مجرمان مطبوعاتی از ارفاق‌های فراوان مترتب بر جرم مطبوعاتی، اهمیت تعریف آن را دو چندان می‌کند. قانون‌گذار در کشور ما به تقلید از حقوق کشورهای فرانسه و بلژیک در قوانین عادی و اساسی گذشته و حال، اصل تفکیک میان جرائم عادی و مطبوعاتی را پذیرفته است.

هدف قانون‌گذار از این تفکیک، حفظ هر چه بیشتر آزادی‌های فردی از طریق آزادی بیان و عقیده بوده است؛ زیرا وجهه همت ارباب مطبوعات خدمت به مردم و ارتقای سطح آگاهی‌های جامعه است. بنابراین فلسفه تفکیک جرم مطبوعاتی از جرم عادی را می‌توان ارفاق به مطبوعات به دلیل احترام به اصل آزادی بیان و مصونیت بیشتر اصحاب و ارباب قلم دانست. برای ارائه تعریف جرم مطبوعاتی علاوه بر تأکید بر عناصر تشکیل‌دهنده جرم باید به هدف از انتشار مطبوعات و لزوم شرکت هیئت منصفه در رسیدگی به جرائم مطبوعاتی نیز توجه کرد. در این صورت، جرائم مطبوعاتی را می‌توان به جرائم مطبوعاتی «حقیقی» و «حکمی» تقسیم کرد. جرم مطبوعاتی حقیقی، جرمی است که علاوه بر انتشار توسط مطبوعات باید به هدف از انتشار و لزوم هیئت منصفه در تشخیص جرم پرداخت.

یکی از اهداف اساسی از مطبوعات، گزارش عملکرد و فعالیت‌های دستگاه‌های دولتی به مردم است تا علاوه بر اطلاع‌رسانی، امکان هرچه بیشتر تحلیل و بررسی، انتقاد، امر به معروف و نهی از منکر و در یک کلام نظارت جامعه بر اعمال و رفتار کارگزاران فراهم شود؛ از این‌رو مطبوعات یکی از ارکان دموکراسی لقب گرفته است.

بنابراین یکی از قیود جرم مطبوعاتی، ارتکاب توهین و افترا به دولت و کارمندان آن به وسیله مجله یا نشریه در مقام خبرسانی از عملکرد دولت است.

همچنین تشخیص جرم مطبوعاتی و سیاسی به دلیل ماهیت خاص و پیچیدگی آن، به حضور هیئت منصفه نیاز دارد و گرنه، شرکت هیئت منصفه در رسیدگی به قذف و توهین به افراد عادی به وسیله مطبوعات لزومی ندارد. بنابراین می‌توان گفت جرم مطبوعاتی عبارت است از: انتشار توهین و افترا به وسیله روزنامه یا مجله یا نشریه از لحاظ ارتباط با مقام و یا شغل رسمی یا رویه اداری یا اجتماعی و یا سیاسی به شخص یا اشخاص.

ملاحظه می‌شود که جرم مطبوعاتی گاهی یکی از مصادیق جرم سیاسی است؛ به عبارت دیگر، رابطه جرم سیاسی و مطبوعاتی، عام و خاص است، لذا قانون‌گذار در اصول ۲۴ و ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی به خوبی به این مسئله توجه کرده است. با توجه به تعریف فوق، ویژگی‌های جرم مطبوعاتی عبارتند از: اولاً نخستین و مهم‌ترین قید جرم مطبوعاتی «انتشار» یعنی پخش اخبار، اطلاعات و مطالب در سطح گسترده است. بنابراین مطالب نوشته شده‌ای را که هنوز منتشر نشده باشند نمی‌توان جرم مطبوعاتی تام دانست. ثانیاً مطالب انتشار یافته از قبیل مطالب مخل به نظم عمومی و مبانی اسلام و توهین و افترا به مقامات عمومی از حیث مقام عمومی و دولتی آنان باشد. بنابراین اگر مطالب منتشر شده جنبه عمومی نداشته باشد (مانند این که به یکی از مقامات از جنبه خصوصی وی توهین شده باشد)، جرم مطبوعاتی محقق نمی‌شود. در اینجا شناخت ماهیت عمل بسیار مشکل است؛ لذا قانون‌گذار، هیئت منصفه را که نماینده افکار جامعه است، برای تشخیص آن در جرائم مطبوعاتی قرار داده است. ثالثاً سومین قید مربوط به وسیله انتشار است، امروزه وسایل انتشار و ارتباط گوناگون است. برای تحقق جرم مطبوعاتی، انتشار مطالب فوق کافی نیست؛ بلکه باید انتشار از طریق مطبوعات باشد.

همچنین گاهی افراد جامعه که هیچ ارتباطی با دولت و حکومت ندارند ممکن است در مطبوعات، در معرض افتراء و توهین قرار گیرند یا مطبوعات وسیله‌ای برای تبلیغ تجمل‌پرستی و... شود که در این صورت گرچه به نظر ما جرم، مطبوعاتی نیست و لزوم شرکت هیئت منصفه در رسیدگی به آن احساس نمی‌شود، ولی به دلیل ذکر آن در قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ آن را در حکم جرم مطبوعاتی قرار می‌دهیم. بنابراین جرائم در حکم جرائم مطبوعاتی عبارتند از: انتشار افتراء و توهین علیه اشخاص بدون لحاظ

موقعیت اجتماعی و سیاسی آنان، و ترویج و اشاعه منکر و تجمل پرستی و... به وسیله مطبوعات، در حکم جرم مطبوعاتی است.

## قلمرو امنیت و استقلال در جرائم مطبوعاتی

### ۱- امنیت مبنای جرم مطبوعاتی و آزادی مطبوعات ضامن امنیت پایدار

با قطع نظر از تعابیر گوناگون درباره امنیت، باید گفت امنیت از اساسی‌ترین ارکان زندگی اجتماعی است؛ یعنی پس از به وجود آمدن زندگی اجتماعی، قوام و دوام آن به وجود امنیت بستگی دارد. این مطلب به روشنی از آیات قرآن به دست می‌آید.<sup>۱</sup> علاوه بر آن که مسئله امنیت بارها در قرآن مورد تأکید واقع شده، این مسئله بر نعمات و برکات دیگر نیز مقدم شده است. حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> پس از درخواست آبادی و عمران مکه، از خدای بزرگ می‌خواهد آن را محل امن قرار دهد و این کلمه جامعی است که بین سنت و سیرت ابراهیمی از جوامع‌الکلم محسوب می‌شود. برخی از مفسران در این باره نوشته‌اند: «راز تقدیم امنیت بر دعوت به حج و عمره و بر جلب میوه‌های نواحی نزدیک و دور این است که امنیت دلپذیرترین نعمت فردی و اجتماعی است و در سایه آن، برکات مفقود موجود می‌شود؛ چنان‌که با فقدان آن همه نعمت‌های موجود از دست می‌رود».<sup>۲</sup> (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۶۸ - ۶۹).

حق دفاع از مرز و بوم یک کشور از اصول عقلانی پذیرفته شده در حقوق ملی و بین‌المللی است و منحصر در مرزهای خاکی نیست. بنابراین هر کشوری حق دارد از تجاوز نظامی به مرزهای خود جلوگیری کند. این حق منحصر به دفع تجاوز فیزیکی و مادی نیست؛ بلکه هر حکومت مشروعی حق دارد از طریق مبارزه با شایع‌پراکنی و تفرقه‌افکنی و افشای اسرار، از امنیت روانی، فکری و اجتماعی خود دفاع کند. با توجه به این مختصر می‌توان نتیجه گرفت یکی از مبانی جرم‌انگاری

۱- ر.ک: قصص ۲۸ آیه ۵۷؛ آل عمران (۳) آیه ۹۷؛ قریش (۱۰۶) آیه ۴؛ عنکبوت (۲۹) آیه ۶۷؛ نحل (۱۶) آیه ۱۱۲؛ حج (۲۲) آیه ۲۵؛ سبأ (۳۴) آیه ۱۸.

۲- مدینه فاضله توحید چهار رکن دارد که حول یک محور مرکزی تنظیم شده است. دعای حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> در این باره چنین است:

پروردگارا! این سرزمین را «شهر» و معمور کن! «رب اجعل هذا بلداً» بقره ۲ آیه ۱۲۶؛  
«امنیت» آن را تأمین کن! «رب اجعل هذا بلداً آمناً»؛

ساکنان آن را از اقتصاد سالم بهره‌مند کن! «و ارزق اهله من الثمرات»؛  
دل‌های عده‌ای را مشتاق این سرزمین کن! «فاجعل افئدة من الناس تهوی الیهم».

از دیدگاه عقل و شرع، حفظ امنیت مادی، فکری و فرهنگی کشور است و حفظ امنیت فکری و فرهنگی که در حقیقت پیش شرط امنیت همه جانبه است، با اداره صحیح مطبوعات ممکن است. بنابراین برای تأمین امنیت فراگیر باید با جرم‌انگاری در حیطه مطبوعات از اخلال در امنیت پیشگیری کرد. اما سخن اساسی این است که امروز چگونه می‌توان امنیت و آرامش واقعی را ایجاد نمود و حفظ کرد. آیا با سانسور و محدود کردن آزادی بیان و اکتفا به حداقل‌هایی از مشارکت مردم می‌توان امنیت واقعی را تأمین کرد؟ یا اینکه طریق ایجاد امنیت واقعی و پایدار مشارکت حداکثری مردم از طریق آزادی‌های مشروع است؟

در پاسخ به سؤال فوق باید توجه نمود که در عین وجوب شرعی و عقلی ایجاد امنیت و پرهیز از هرج و مرج؛ آزادی بیان نیز از اموری است که مورد توجه و اهتمام شارع مقدس بوده است و آیات و روایات فراوانی بر آن دلالت می‌کند. با مراجعه به تاریخ دوران حکومت پیامبر<sup>(ص)</sup>، در مدینه و حضرت امیر<sup>(ع)</sup> در کوفه، روشن می‌شود که با وجود معصوم<sup>(ع)</sup> در رأس حکومت، اصحاب آزادانه سیاست‌گذاری‌های حکومتی و نحوه تدبیر امور مردم را نقد می‌کردند و نظرهای خود را ابراز می‌نموده‌اند و معصومان<sup>(ع)</sup>، نیز از اظهارنظر آنان استقبال می‌کرده‌اند. همین که اصحاب در اظهارنظر خود با مخالفت ائمه روبه‌رو نشده‌اند، دلیل بر تأیید کار آنان از جانب ائمه است (نوروزی، ۱۳۷۷: ۳۸).

از شواهد سیره آزادمنشانه پیامبر<sup>(ص)</sup>، در برخورد با مخالفان و رعایت آزادی بیان آیه مبارکه «ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك»<sup>۱</sup> است اگر رسول گرامی اسلام<sup>(ص)</sup>، با رحمت و رأفت و سعه صدر با دیگران برخورد نمی‌کردند، نمی‌توانستند مردم را به اسلام هدایت کند. این برخورد پیامبر<sup>(ص)</sup>، که مورد تأکید قرآن است حاکی از تحمل عقاید دیگران و پرهیز از شیوه برخورد خشن و تکفیر و تفسیق و طرد بوده است. شهید آیت‌الله مطهری (ره) در این باره می‌نویسد: «شما کی در تاریخ عالم دیده‌اید که در مملکتی که همه مردمش احساسات مذهبی دارند به غیرمذهبی‌ها آن اندازه آزادی بدهند که بیایند در مسجد پیامبر<sup>(ص)</sup> در مکه بنشینند و حرف خودشان را آن طور که دلشان می‌خواهد بزنند، خدا را انکار کنند، منکر پیامبری پیامبر<sup>(ص)</sup> شوند، نماز و حج را رد کنند و بگویند ما این‌ها را قبول نداریم؟! در تاریخ اسلام از این نمونه‌های درخشان فراوان می‌بینیم. به دلیل همین آزادی‌ها بود که اسلام

۱- آل عمران ۳ آیه ۱۵۹.

توانست باقی بماند. اگر در صدر اسلام در جواب کسی که می‌آمد و می‌گفت من خدا را قبول ندارم، می‌گفتند او را بزنی و بکشید، امروز دیگر اسلامی وجود نداشت. اسلام به این دلیل باقی مانده که با شجاعت و با صراحت با افکار مخالف مواجه شده است» (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۴).

قرآن این سیره پیامبر<sup>(ص)</sup> را در برخورد با مخالفان تأیید می‌کند و می‌فرماید: «اگر تندخو بودی، قطعاً مردم از پیرامون تو پراکنده می‌شدند».<sup>۱</sup> این شیوه برخورد در عصر امامان<sup>(ع)</sup> نیز فراوان مشاهده می‌شود.<sup>۲</sup> نمونه این شیوه را می‌توان از زبان مخالفان ائمه<sup>(ع)</sup>، در داستان مفضل بن عمر شنید: «و اگر از اهل کلام نیستی سخنی با تو نداریم، و اگر از اصحاب امام صادق<sup>(ع)</sup> هستی، او هرگز با ما چنین سخن نمی‌گوید و با شیوه تو با ما مجادله نمی‌کند. او سخنان ما را بیش از آنچه شنیده‌ای شنیده است؛ ولی در گفت‌وگو با ما هرگز به ما دشنام نداده و به ما تعدی نکرده است. او بردبار و باوقار و عاقل و استوار است. نادان و بی پروا و سبک‌مغز نیست به سخن ما گوش فرا می‌دهد و کلام ما را می‌شنوند و به سخنان ما خوب توجه می‌کند تا آن‌که هرگاه تصور می‌کند سخنان خود را خوب و کامل گفته‌ایم، حجت ما را با دلیلی ساده و خطابی کوتاه، باطل و ما را به حجت خود ملزم می‌کند و اگر تو از شاگردان او هستی همانند او با ما سخن بگو!» (مجلسی، ۱۳۷۰، ج ۷۲: ۵۷). به‌علاوه جلب مشارکت عمومی با مشورت، اصلی عقلائی و رایج در جامعه بشری است. مشورت در امور یکی از وظایف حاکم اسلامی و کارگزاران حکومتی است. استفاده از این روش پسندیده به‌ویژه در امور پیچیده، نیاز به استدلال و اقامه برهان ندارد. قرآن کریم نمونه‌های گوناگونی از مشورت کردن شخصیت‌های تاریخی را نقل کرده است که از آن جمله می‌توان به مشورت زن و شوهر در امور خانوادگی،<sup>۳</sup> مشورت مؤمنان با هم<sup>۴</sup> و مشورت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup><sup>۵</sup> اشاره کرد. در اهمیت مشورت، همین بس که معصومان<sup>(ع)</sup> و اولیای الهی به رغم برخورداری از علم و عصمت و

۱- «و لو كنت فظا غليظ لقلب لا نفصوا من حولك» آل عمران (۳ آیه ۱۵۹).

۲- درباره اعتراض عده‌ای به مقدم داشتن جنگ با معاویه بر جنگ با خوارج ر. ک: ابن‌ابی‌الدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۴، ص ۹۵؛ درباره اعتراض قیس بن سعید به امیرمؤمنان<sup>(ع)</sup>، ر. ک: طبری، تاریخ، ج ۳، ص ۵۹ و درباره اعتراض عده‌ای به صلح امام حسن<sup>(ع)</sup>، ر. ک: محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴ ص ۲۸.

۳- «... فاذا ارادا فصلاً عن تراض منهما و تشاور فلا جناح عليهما» بقره (۲ آیه ۲۳۲).

۴- شورا ۴۲ آیه ۳۸؛ آل عمران (۳) آیه ۱۵۹.

۵- آل عمران ۳ آیه ۱۵۹.

ارتباط با عالم غیب، به امر الهی با یاران و نزدیکان خود مشورت می‌کردند و مشورت کردن را به دیگران نیز توصیه می‌کردند.

یقیناً مشورت کردن بدون حد و حصر نیست؛ بلکه در جایی که حکم ثابت الهی برای ما روشن باشد و حق عاری از هر گونه ابهامی نمایان شود، نیازی به مشورت درباره آن احساس نمی‌شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «ما کان للمؤمن و لا مؤمنه اذا قضی اللّٰه و رسوله امرّاً ان یکون لهم الخیره من امرهم». به عبارتی محدوده مشورت، امور الناس است، نه احکام اللّٰه. مشورت و بهره‌گیری از آرای دیگران فواید گوناگونی دارد. از مهم‌ترین علل مشورت، استفاده از نظر دیگران برای روشن شدن مطلب است. امروزه به دلیل گسترش جوامع و پیچیده شدن امور، حاکم نمی‌تواند بدون استفاده از نظر دیگران، دردهای اجتماعی را کشف و با آن به شیوه‌ای معقول مبارزه کند.

اگر مردم خود را در اداره کشور سهیم ندانند، درباره آن احساس مسئولیت هم نخواهند کرد. در حکومتی که زمینه حضور مردم وجود دارد و نظر مردم محترم است، دلیلی ندارد که مردم با حکومت مخالفت کنند. به دلیل این فواید است که عقلا اداره امور عمومی جامعه را به مردم آن می‌سپارند و رأی مردم را در اداره کشور معتبر می‌دانند و در امور با آنان مشورت می‌کنند. این سیره عقلا را شارع پذیرفته است. تنها استثنای آن، احکامی است که شارع مقدس تشریح کرده است. بنابراین سیره عقلایی مشورت با مردم، به جز در احکام الهی را شرع نیز تأیید می‌کند و آیات و روایات بر آن دلالت دارد. در روایات بر سیره عقلایی مشورت، تأکید فراوانی شده است که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

در حدیث آمده است: «هرگاه فرمانروایان شما اشرار و ثروتمندان شما بخیل باشند و کارهای شما بین خودتان شورایی نباشد، پس برای شما دل زمین بهتر است از روی زمین» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۴۶). در حدیث دیگری آمده است: «هر کس خواست بین جماعت شما تفرقه افکند حکومت بر امت را غصب و بدون مشورت حکومت را اداره کند او را بکشید که خدا به آن اذن داده است» (صدوق، بی‌تا: ۶۲).

امیرمؤمنان علی<sup>(ع)</sup>، درباره استقبال از آرای متفاوت در باز شناختن مواضع خطا می‌فرماید: «من استقبل وجوه الآراء عرف موضع الخطاء» (نهج البلاغه، حکمت، ۱۷۲).. یا می‌فرماید: «اتقوا ظنون المؤمنین فان اللّٰه جعل الحق علی السننهم». و نیز می‌فرماید: «من شاور الرجال شارکها فی عقولها» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱). یا «حق علی العاقل ان تضيف ای رأیه رأی العقلاء و يضم الی علمه علوم

الحکماء» (تمیمی، بی‌تا: ۴۰۸). همچنین حضرت پس از اطلاع از حرکت اصحاب جمل به سمت بصره، یاران خاص خود، ابن عباس، عمار، محمد بن ابی بکر، سهل بن حنیف را برای مشورت فرا خواند و فرمود: «اشيروا علی بما اسمع منکم القول فیه» (مفید، ۱۳۶۷، ۲۳۹) و از حضرت نقل شده است: «آن کس که در امور مهم با دیگران مشورت و از رأی اکثر آنان پیروی کند، اگر در راه مفید قدم بردارد، مدح و ستایش می‌شود و اگر خطا کند معذور است» (تمیمی، بی‌تا: حدیث ۸۹۵۶)

از آیات و روایات مذکور به دست می‌آید یکی از اصول مورد پذیرش و تأکید در اسلام اصل مشورت است. مفاد این اصل آن است که سران کشور و دولت باید در اداره امور کشور با مردم یعنی صاحبان اصلی حق، مشورت کنند. اهمیت شورا و مشورت به حدی است که در قرآن در کنار ایمان، اقامه نماز و انفاق آمده است. موظف شدن مسئولان به مشورت با مردم، موجب پرهیز از استبداد، ایجاد زمینه انتقاد منطقی، احترام به نظرات مردم، استفاده از مشارکت فکری مردم و پرهیز از تحمیل فشار بر آنان خواهد شد. اجرای این اصل مهم اسلامی بدون وجود آزادی بیان ممکن نیست. به عبارت دیگر، برای آن که شهروندان و افراد جامعه بتوانند حکومت را از نظرات خود بهره‌مند سازند باید آزادی در بیان دیدگاه‌های مختلف به رسمیت شناخته شود. امروزه به دلیل گسترش جوامع و پیچیدگی روابط اجتماعی، مردم قادر نیستند آرای مشورتی خود را به طور مستقیم به حکومت اعلام کنند. اینجاست که رسانه‌های جمعی و از جمله مطبوعات به دلیل مکتوب و ماندگار بودن، به خوبی می‌توانند آرای مشورتی مردم را در اختیار دولتمردان قرار دهند. بنابراین یکی از وسایل تحقق مشارکت مسئولان مردم در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و انتقال نظرات مشورتی مردم به حکومت و بالعکس، مطبوعات است. بنابراین باید بین آزادی بیان و امنیت جمع کرد. آزادی بیان را نمی‌توان فدای امنیت‌گرایی کرد؛ زیرا چنین امنیتی فراگیر و قابل دوام نخواهد بود. از سوی دیگر نمی‌توان به بهانه آزادی و از آن جمله آزادی بیان، امنیت را نابود و هرج و مرج در جامعه ایجاد کرد. بنابراین در زمینه جرم‌انگاری در این حوزه از مطبوعات باید با دقت و وسواس حرکت کرد و از آنجا که آزادی بیان و مشارکت مردم در سرنوشت خود زمینه‌ساز امنیت پایدار و فراگیر است، باید تا حد ممکن با اعطای آزادی بیان، امنیت پایدار را ایجاد کرد.

در خاتمه این بخش از بحث باید گفت ممکن است جرائم امنیتی از قبیل افشای اسرار و اسناد طبقه‌بندی شده مملکتی، ایجاد تشویش در اذهان عمومی، برانگیختن احساسات قومی، اغوا و تحریک نظامیان به تمرّد، فرار و عصیان و عدم انجام وظایف

نظامی و انتظامی و امنیتی، ایجاد تفرقه و دو دستگی و اموری از این قبیل از طریق مطبوعات صورت گیرد که باید با عنوان «منع اخلال در امنیت عمومی» جرم‌انگاری شود. از طرفی نباید برخی از فعالیت‌های مطبوعاتی را تحت عناوین فوق قرار داد و آزادی بیان را به بهانه امنیت محدود کرد. برخی از نمونه‌ها عبارتند از: انتشار اطلاعاتی که سری و فوق سری نیستند؛ انتقاد از عملکرد مسئولان؛ نشان دادن نابسامانی‌ها از قبیل آمار جرائم، نابسامانی‌های فرهنگی و اجتماعی و... در حقیقت وظیفه اصلی مطبوعات تحت لوای آزادی بیان، مطلع کردن مردم از اوضاع کشور و انتقاد سازنده از روند حرکت نظام و نمایاندن نابسامانی‌ها است که اگر این امر محقق گردد و جنبه‌های دیگر حفظ امنیت نیز رعایت شود امنیت پایدار برقرار می‌گردد.

## ۲- جرائم مطبوعاتی و استقلال

استقلال دولت اسلامی و حراست از آن از دیدگاه شرع و عقل، اهمیت ویژه‌ای دارد. در رشته‌هایی همچون حقوق اساسی، حقوق بین‌الملل عمومی، علوم سیاسی و حقوق بشر، درباره استقلال کشور بحث و معانی گوناگونی از آن ارائه شده است. در بخش نخست معانی استقلال و مطبوعات مورد بحث قرار گرفت. در قرآن کریم و روایات اسلامی به مسئله استقلال کشور اسلامی توجه شده است که برای نمونه به برخی از آیات و روایات اشاره می‌کنیم. از مفهوم برخی از آیات این مهم استنباط می‌شود:

۱ - و لن ترضی عنک الیهود و النصارى حتى تتبّع ملتهم قل انّ هدی اللّٰه هو الهدی و لن اتبعت اهلواءهم بعد الذی جاءک من العلم ما لک من اللّٰه من ولی و لا نصیر؛<sup>۱</sup> هرگز یهود و نصارا از شما راضی نمی‌شوند؛ مگر آن‌که از آنان پیروی کنی (استقلال خود را رها کنی).

۲ - و اعدوا لهم ما استطعتم من قوّة و من رباط الخیل ترهبون به عدوّ اللّٰه و عدوکم و آخرین من دونهم لاتعلمونهم اللّٰه یعلمهم و ماتنفقوا من شیءٍ فی سبیل اللّٰه یوف الیکم و انتم لاتظلمون؛<sup>۲</sup> و آماده کنید برای (کارزار با) ایشان هر چه می‌توانید از نیرو و اسبان بسته شده که بترسانید با آن دشمن خدا و دشمن خود را... .

۱- بقره ۲ آیه ۱۲۰.

۲- توبه ۹ آیه ۶۰.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه تعبیر زیبایی دارند که در تفاوت حکومت فرد بر جامعه و اکثریت افراد دیگر جامعه و حکومت اسلامی یعنی حکومت انسان بر جامعه می‌نویسد: شاید سرّ این که بعد از خطاب به شخص رسول خدا<sup>(ص)</sup>، در آیات قبل یعنی آیه «فَمَا تَتَّقِنَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرُّهُمْ مِنْ خَلْفِهِمْ»<sup>۱</sup> و غیر از آن که خطاب در آن‌ها نیز متوجه شخص رسول خدا<sup>(ص)</sup> است، خطاب را متوجه عموم مردم کرده و فرموده است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» همین نکته باشد؛ زیرا گفتیم که حکومت اسلامی، حکومتی است انسانی؛ به این معنا که حقوق همه افراد انسان‌ها را رعایت نموده و به خواسته‌های آنان احترام می‌گذارد؛ ولو هر که می‌خواهد باشد؛ نه این‌که خواسته‌های افراد را فدای خواسته یک نفر یا خواسته اکثریت کرده باشد. و چون چنین است، دشمن منافع [استقلال] یک جامعه اسلامی، دشمن منافع (استقلال) تمامی افراد است و بر همه افراد است که قیام نموده و دشمن را از خود و منافع خود دفع کنند (طباطبایی، بی‌تا، ج ۹: ۱۵۲). با توجه به آیات فوق و آیات مربوط به جهاد، وجوب دفاع از استقلال کشور اسلامی، مدلل و مبرهن می‌شود. آیاتی از قبیل آیه نفی سبیل<sup>۲</sup> نیز بر این مطلب دلالت دارد.

در روایات نیز بر این مطلب تأکید فراوانی شده است. به‌طور کلی روایات مربوط به ثغور مسلمانان و جهاد و دفاع و رابطه، به استقلال سرزمین اسلامی مربوط می‌شود. امیرمؤمنان<sup>(ع)</sup> در نهج‌البلاغه در اهمیت جهاد برای حفظ حدود و ثغور مسلمانان می‌فرماید: «فان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصة اوليائه... فالجنود باذن الله حصون الرعية و زين الولاة و عزالدین و سبل الامن و لاتقوم الرعية الا بهم» (نهج‌البلاغه، دشتی، نامه، ۵۳، ۳۶)

از آنچه گذشت معلوم می‌شود استقلال و حفظ کشور اسلامی و ثغور و حدود آن، از امور مورد اهتمام اسلام عزیز است. امیرمؤمنان علی<sup>(ع)</sup> درباره اهمیت حفظ استقلال به مالک اشتر می‌نویسد: اما بعد فانک ممن استظهر به علی اقامة الدین و اقمع به نخوة الاثیم و اسد به لهاة الثغر المخوف (همان). ای مالک! بی‌گمان تو از کسانی هستی که من در اقامه دین خدا و اجرای قوانین الهی و درهم شکستن غرور جنایتکاران و پاسداری از مرزهای حساس کشور به نیروی آن‌ها اعتماد می‌کنم. و در بیان علوی «اهداف تشکیل حکومت در هر جامعه‌ای جنگ با دشمنان خارجی

۱- توبه ۹ آیه ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱.

۲- نساء ۴ آیه ۱۴۱: «و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً».

به منظور تأمین استقلال مردم و گرفتن حق ضعفا از اقویا و سلب آرامش از بدکاران شمرده شده است» (همان، ۴۶) و نیز در کلام رضوی از جمله وظایف رهبری در اسلام، مراقبت از مرزهای کشور اسلامی به منظور جلوگیری از تجاوز بیگانگان و اقامه حدود و دفاع از دین خدا بیان شده است (حرانی، ۱۳۷۶: ۴۳۸).

همچنین سیره پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> در دوران حاکمیت نیز نشان می‌دهد همواره حفظ استقلال کشور و مردم یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های آنان بود و همواره از این نگران بودند دشمنان خارجی یا فتنه‌انگیزان داخلی، استقلال سرزمین تحت حاکمیتشان را به مخاطره بیندازند (مجلسی، ۱۳۷۰: ۱۵۲). امام علی<sup>(ع)</sup> حتی از به خطر افتادن امنیت اقلیت‌های مذهبی تحت حاکمیت دولت اسلامی به شدت ناراحت می‌شدند. «حضرت تحرکات پیمان شکنان و آشوب‌طلبان را با اعزاز مأموران مخفی، تحت نظر داشت و به محض آن که اطلاع می‌یافت که امنیت و استقلال از سوی آنان تهدید شده [است] افرادی را برای سرکوب آنان اعزام می‌کرد» (نهج البلاغه، دشتی، خطبه ۶).

علاوه بر روایات و احادیث فوق که به عنوان حکم اولی و با صراحت لفظی بر وجوب حفظ استقلال کشور اسلامی دلالت دارند، شارع مقدس مقررات و قوانینی وضع کرده است که به صورت فراگیر بر حفظ استقلال کشور اسلامی دلالت می‌کنند. از جمله این مقررات کلی به «قاعده لاضرر» می‌توان اشاره کرد. حضرت امام خمینی<sup>(ره)</sup> با استناد به لغت و روایت، «ضرر» را ضرر جانی یا مالی دانسته و «ضرر» را با توجه به استعمالات فراوان آن در قرآن و حدیث، مبتلا کردن دیگری به اکراه و حرج یا تنگنا مردم را دچار شک و تردید کردن، اجتماع و وحدت آنان را بر هم زدن و ضرر روحی و ایمانی معنا کرده است. (موسوی خمینی، ۱۳۴۵: ۳۰ و ۳۱). فقهای اسلام از حدیث «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» (عاملی، بی تا، ۴۰۰ و راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ق، ۸۴۳) قانونی را استنباط کرده‌اند که در عرصه‌های مختلف اجتماعی، هر امر متضمن ضرر برای افراد یا جامعه اسلامی را می‌توان منع و بر آن مجازات مقرر کرد؛ مثلاً اگر مرد حقوق همسرش را ادا نکند و او را طلاق هم ندهد، حاکم با تمسک به این قاعده، او را طلاق می‌دهد (سیستانی، بی تا: ۲۹۵).

حضرت امام خمینی<sup>(ره)</sup> قاعده لاضرر را حکم حکومتی‌ای می‌داند که پیامبر اسلام<sup>(ع)</sup>، به عنوان رهبر جامعه اسلامی آن را صادر کرده است (موسوی خمینی، ۱۳۴۵: ۵۶-۵۶). اگر امری برای استقلال کشور اسلامی که حفظ آن از اهمّ واجبات است ضرر و آسیب داشته باشد، بر اساس قاعده لاضرر ارتکاب آن، جرم و مقابله با آن

واجب است. بنابراین در جایی که اقدام مطبوعات برخلاف استقلال و مصالح عالیّه کشور باشد، بر اساس ادله فوق باید با آن مقابله شود. ذکر تمام ادله شرعی وجوب حفظ استقلال کشور اسلامی از حوصله این نوشتار خارج است. برای حفظ اختصار، در پایان این بخش از بحث باید متذکر شد علاوه بر ادله‌ای که به‌طور اجمال و اختصار بر وجوب حفظ استقلال و حرمت سلب استقلال از کشور اسلامی دلالت دارند، ادله‌ای از جمله وجوب جهاد، مرزبانی (مربطه)، (نجفی، بی‌تا، ج ۲۱: ۳۸)، عدم برقراری ارتباط و دوستی با کفار و مشرکان،<sup>۱</sup> نفی سلطه کافران بر مسلمانان،<sup>۲</sup> می‌توانند این هدف را تأمین کنند.

گرچه وجوب حفظ استقلال و تمامیت ارضی و امنیت ملی کشور اسلامی برعهده یکایک مسلمانان است، ولی اجرای این واجب از توان افراد خارج است و از شؤون حکومت اسلامی شمرده می‌شود. بنابراین دولت اسلامی وظیفه دارد برای تأمین استقلال همه جانبه مسلمانان هر تدبیری را به کار بندد و از هر گونه وابستگی به بیگانگان بپرهیزد؛ زیرا جامعه‌ای که دولتمردان آن در تصمیم‌گیری‌ها استقلال رأی نداشته و تابع نظر دولت‌های مقتدر جهانی باشند، امنیت و استقلال نخواهد داشت. بنابراین با توجه به ادله شرعی فوق، قطعاً یکی از مبانی جرم‌انگاری در حیطه مطبوعات، حفظ استقلال کشور است. تاکنون مفهوم استقلال و اهمیت و وجوب حفظ آن از دیدگاه اسلام و سلب استقلال به عنوان یکی از مبانی جرم‌انگاری در حوزه حقوق مطبوعات بحث و بررسی شد. اینک باید پرسید امروزه با توجه به تغییر مفهوم استقلال در صحنه‌های ملی و بین‌المللی و تغییر در شیوه‌های حفظ آن، چگونه می‌توان با جرم‌انگاری صحیح و عاقلانه در حوزه مطبوعات با اشاعه آزادی بیان و اعطای آزادی حداکثری به مطبوعات و جرم‌انگاری به میزان ضرورت و حداقل ممکن با حفظ مشارکت مردم، استقلال کشور را از گزند آسیب‌ها حفظ کرد؟ در پاسخ باید گفت یکی از عوامل مهم تأمین استقلال کشور «مشارکت مردم در امور اجتماعی و سیاسی» است. امروزه ملاک سنجش وجود یا عدم مشارکت مردم در جوامع بشری، میزان حضور و آزادی مطبوعات و به بیان دیگر آزادی بیان در جامعه است. دولت اسلامی برای رسیدن به استقلال کامل و تأمین همه‌جانبه استقلال کشور در برابر بیگانگان، چاره‌ای جز مشارکت دادن مردم در اداره امور کشور

۱- آل‌عمران ۳ آیه ۲۸؛ نساء (۴) آیه ۱۴۴؛ مائده (۵) آیه ۵۱.

۲- نساء ۴ آیه ۱۴۱.

ندارد. این امر دولتمردان را از وابستگی به قدرت‌های بیگانه بی‌نیاز می‌کند. دولتی که بخواهد در تصمیم‌گیری‌ها استقلال داشته باشد و در عرصه‌های بین‌المللی با اقتدار حضور یابد، باید متکی به حمایت مردم خویش باشد.

سنّت‌های الهی در طول تاریخ بر این اصل استوار بوده است که بقای هر ملتی به اراده و مشیت خود آنان بستگی دارد و بنا نیست نیروهای غیبی از کیان قوم و ملتی دفاع کنند.<sup>۱</sup> قرآن کریم نیز چنین وعده‌ای به مردم نداده است؛ بلکه به آنان توصیه می‌کند اگر در میدان دفاع از دین خداوند و عزت و استقلال خویش ثابت‌قدم باشید، قطعاً خداوند با نیروهای غیبی خود از شما حمایت خواهد کرد.<sup>۲</sup> از سوی دیگر در صحنه بین‌المللی از نیم قرن پیش اکثر رژیم‌ها تلاش کرده‌اند تا اقتدار خود را بر پایه مشارکت و رأی مردم استوار سازند. پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی اکثریت اعضای جامعه جهانی نشانه این تحول است و از دهه ۱۹۷۰ م به بعد حقوق بشر به مسئله‌ای قانونی در عرصه بین‌المللی تبدیل شده و کشور ما نیز این میثاق را پذیرفته و امضا کرده است. ماده ۲۱ اعلامیه حقوق بشر مقرر می‌دارد: «اقتدار حکومت باید بر اساس اراده مردم باشد». این مسئله در قوانین اساسی اکثر کشورها ملاک اقتدار حکومت قرار گرفته است. ارتباط بین حقوق بشر و استقلال از جهت‌گیری‌های اسناد بین‌المللی است که به‌طور آشکاری در اعلامیه جهانی حقوق بشر لحاظ شده است. در ماده ۲۱ چنین مقرر شده است: اساس و منشأ قدرت حکومت، اراده مردم است. این اراده باید به وسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت به طور ادواری صورت پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رأی مخفی یا طریقه‌ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی را تأمین نماید. ماده ۲۹ اعلامیه مذکور در بیان محدودیت‌های قانونی فقط تبعیت از قوانین جامعه دموکراتیک را الزامی می‌داند: هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون منحصرأ به‌منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده یک و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و

۱- رعد ۱۳ آیه ۱۱.

۲- محمد ۳۷ آیه ۷.

فرهنگی در مادهٔ یک، حق تعیین سرنوشت و انتخاب آزادانه نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را بر عهده مردم نهاده است.

شورای امنیت، فقدان مشارکت عموم را نقض صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند و در مواردی شدیدترین اقدامات سیاسی و نظامی را علیه استقلال و حاکمیت کشورها اعمال می‌کند. در این جا برای روشن شدن مسئله نمونه‌ای از اقدامات جهانی را ذکر می‌کنیم. در سال ۱۹۹۸ م کودتایی در سیرالئون انجام گرفت که شورای امنیت آن را تهدیدی علیه صلح تلقی کرد و استفاده از نیروی نظامی برای مقابله با کودتاچیان و بازگرداندن دموکراسی به سیرالئون را مجاز دانست. شورای امنیت در قضیهٔ هائیتی دربارهٔ نقض دموکراسی با شفافیت و قاطعیت بیشتری موضع گرفت. ژان برنارد آریستید در یک انتخابات آزاد در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۰ با ۶۷ درصد آرا انتخاب شد. این انتخابات را سازمان ملل و سازمان کشورهای آمریکایی تأیید کرد. مردم هائیتی با خوشحالی در انتظار پایان حکومت دیکتاتوری دووالیه بودند؛ ولی در سال ۱۹۹۱ م کودتای نظامی ژنرال رانول ستراس حکومت انتخابی را سرنگون کرد و رئیس‌جمهوری مجبور به فرار شد. جامعهٔ جهانی بلافاصله واکنش نشان داد و عمل کودتاگران را محکوم کرد. دبیر کل سازمان ملل (خاویر پرز دوکوئیار) و شورای امنیت خواستار بازگشت دموکراسی شدند و مجمع عمومی در اکتبر ۱۹۹۱ طی قطعنامهٔ ۴۶/۷ کودتا را نقض حقوق بشر دانست و استقرار حکومت مشروع را خواستار شد. در ۲۴ نوامبر ۱۹۹۲ مجمع عمومی دوباره از استقرار حکومت رئیس‌جمهوری منتخب حمایت کرد. برخی از کشورهای آمریکایی مسئله را امر داخلی دانستند. ولی در مقابل، برخی از کشورهای اروپایی و آمریکایی آن را مغایر صلح و امنیت تلقی نمودند. سرانجام موضوع در دستور کار شورای امنیت قرار گرفت. و این شورا قطعنامهٔ ۸۴۱ را مبنی بر اعمال تحریم بین‌المللی علیه هائیتی تجویز کرد. از آنجا که تحریم‌ها در برکناری کودتاچیان مؤثر واقع نشد شورای امنیت به موجب قطعنامهٔ ۹۴۰ از دولت‌های عضو سازمان ملل خواست با تشکیل یک نیروی چندملیتی و انجام عملیات نظامی، به اسقرار دموکراسی و بازگشت آریستید کمک کنند، که این کار با همکاری بیست کشور انجام شد. شورای امنیت بارها نقض فاحش حقوق بشر توسط طالبان را محکوم و سرانجام موجبات مداخلهٔ نظامی جامعه جهانی و سرنگوی طالبان را فراهم کرد. مداخلهٔ شورای امنیت در امور داخلی کشورها به استناد بند ۱۷ ماده منشور سازمان ملل توجیه و وفق فصل ۷ منشور سازماندهی و عملیاتی می‌شود که شدیدترین اقدام علیه استقلال یک کشور به شمار می‌آید.

از مطالب پیشین روشن شد که مفهوم سنتی حاکمیت و استقلال تحت تأثیر تحولات بین‌المللی اعتبار خود را از دست داده و اکنون اراده عمومی منشأ قدرت‌های نظامی و سیاسی است. بنابراین حاکمیت به عنوان اقتدار عالی تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات بدون تبعیت از قدرت‌های دیگر، باید متکی به حمایت و پشتیبانی مردم خویش باشد. مقابله حاکمیت با تهدیدات خارجی، به میزان مقبولیت حاکمیت نزد مردم کشور بستگی دارد. از این‌رو پایبندی به قواعد مردم‌سالاری از آسیب‌پذیری حاکمیت‌ها در مقابل تصمیمات خارجی جلوگیری و استقلال کشور را در جهانی تضمین می‌کند که وابستگی متقابل یکی از ویژگی‌های آن است. از این‌رو بین استقلال و آزادی و دموکراسی رابطه‌ای مستقیم و پیوندی ناگسستنی برقرار است. بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای تحصیل بالاترین سطح استقلال باید به سوی جلب هرچه بیشتر حمایت و رضایت آحاد ملت گام برداشت.

امروزه تأمین استقلال تنها در مقوله‌های سخت‌افزاری همچون توانایی‌های نظامی خلاصه نمی‌شود (گرچه این گونه امکانات هم برای استقلال کشور ضرورت دارد)؛ بلکه فراتر از آن در ابعاد نرم‌افزاری همچون احترام به حقوق مردم، بهبود رفاه عامه و تضمین آزادی‌های سیاسی از طریق مشارکت مؤثر در امور سیاسی ممکن و مقدور است. امروزه یکی از معیارهای جامعه آزاد و مستقل، وجود آزادی بیان و مطبوعات آزاد و مستقل است. بنابراین یکی از روش‌های مؤثر در تأمین استقلال کشور، تأمین آزادی بیان و حقوق مطبوعاتی است که آن‌هم مستلزم جرم‌انگاری بسیار محدود در حوزه مطبوعات است. زیرا تأمین استقلال کامل مستلزم توجه به مشارکت عمومی و مسئله آزادی است. «استقلال و آزادی دو مطلبی هستند که به یکدیگر ربط طبیعی دارند و هیچ‌یک بدون دیگری قابل تحصیل نیست» (بهشتی، ۱۳۶۴: ۴۲۱).

مفهوم این سخن آن است که ارتباط استقلال و آزادی، از قبیل اعتباریات نیست، بلکه این دو ربط طبیعی و واقعی دارند. به بیان دیگر، رابطه علی و معلولی بین آن دو برقرار است؛ زیرا اصولاً بدون تکیه به عموم مردم و جلب مشارکت آنان، دستیابی به استقلال واقعی امری محال است؛ زیرا حکومت برای اعمال حاکمیت، نیازمند قدرت و پشتوانه است و طبعاً این پشتوانه یا از داخل کشور (عموم مردم) ناشی می‌شود که نتیجه آن استقلال واقعی کشور و دولت است، یا از خارج که نتیجه آن وابستگی و استبداد داخلی خواهد بود. بنابراین مشارکت مردم علت واقعی تأمین استقلال کشور است و بالعکس «اصولاً در جامعه‌ای که از استقلال سیاسی

فرهنگی، اقتصادی نظامی و از امثال این‌ها دفاع نشود و جامعه به آن‌ها دسترسی پیدا نکند صحبت از تحصیل آزادی‌ها در حد سخن باقی خواهد ماند و بالعکس در جامعه‌ای که استبداد بخواهد در زمان ما بماند یا به وجود بیاید، این استبداد چون متکی به وجود مردم نیست تکیه‌گاهش را کجا باید پیدا کند؟ مسلماً خارج از مردم (همان: ۴۲۲). از آنچه تا کنون درباره استقلال به عنوان مبنای جرم‌انگاری در حوزه حقوق مطبوعات بیان شد معلوم می‌شود:

۱. از دیدگاه اسلام عزیز تأمین و حفظ استقلال کشور اسلامی از اهمّ امور و از اهم واجبات است.

۲. مفهوم استقلال در طول دوران و بستر زمان دچار تحول شده، از مفهوم سنتی به مفهوم نوین و واقعی خود نزدیک می‌شود که در مفهوم جدید استقلال، به جای تکیه به نیروی نظامی، به حضور و مشارکت حداکثری مردم در تأمین استقلال اهمیت داده می‌شود.

۳. در مفهوم جدید استقلال، یکی از ملاک‌های وجود یا عدم استقلال واقعی، مسئله آزادی بیان و آزادی حداکثری مطبوعات در صحنه جامعه است. زیرا حضور مردم از طریق انتخابات، مقطعی و مربوط به برهه‌ای خاص است اما اظهارنظر و اعمال نظارت بر حاکمیت از طریق مطبوعات، مستمر و همیشگی است. لذا امروزه معیار جامعه‌ای دموکراتیک، میزان حضور مطبوعات ارزیابی می‌شود. بنابراین برای تأمین استقلال واقعی، جرم‌انگاری به میزان ضرورت و اعطای آزادی بیان در حد اعلا، ضامن استقلال کشور اسلامی خواهد بود.

## نتایج

۱. از آنچه بیان شد این نتیجه حاصل می‌گردد که امروزه علت حدوث و بقاء استقلال و امنیت کشور، جلب مشارکت حداکثر مردم از طریق اشاعه آزادی‌های مشروع و رعایت حق مطالبه‌گری عموم مردم کشور است البته این حق نافی ابزارهای دیگر نیست.

۲. دفاع از امنیت ملی و بین‌المللی یک کشور از اصول پذیرفته شده در حقوق اسلام است و منحصر به تجاوز فیزیکی و نظامی نیست، بلکه هر حکومتی که از دیدگاه اسلام مشروع باشد؛ حق دارد از امنیت و استقلال فرهنگی و اعتقادی خود بر اساس جرم‌انگاری در حوزه مطبوعات دفاع کند. بنابراین امنیت را نمی‌توان فدای آزادی بیان کرد و بالعکس آزادی بیان نیز نباید فدای امنیت شود. زیرا اگر آزادی بیان

خداشده‌دار شود، استقلال واقعی در معرض خطر قرار می‌گیرد. بنابراین آزادی بیان باید در حد اعلا و جرم‌انگاری به دلیل رعایت امنیت کشور باید محدود باشد.

۳. با توجه به اصل توزیع عادلانه قدرت، حق مردم در دسترسی به اطلاعات و وظیفه دولت در جلب مشارکت حداکثر مردم از طریق مشارکت واقعی آنان، امروزه نه تنها مطبوعات حق انتشار کلیه اسناد و اطلاعات دولتی را دارند، بلکه دولت موظف است برای دستیابی به امور فوق، اطلاعات خویش را در اختیار مطبوعات قرار دهد. تنها استثنای ممکن بر حق دسترسی به اطلاعات دولتی، مسئله امنیت و استقلال کشور است.

## منابع

۱. ۱. قرآن کریم
۲. ۲. نهج البلاغه، علی ابن ابی طالب علیه السلام، جمع آوری و تنظیم سید رضی،
۳. ۳. آقابخشی، علی (۱۳۶۳). فرهنگ سیاسی، تهران: نشر تقریر.
۴. ۴. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۹). فرهنگ معاصر فارسی عربی، جلد اول، تهران: نشر نی.
۵. ۵. ابن منظور (۱۴۰۸). لسان العرب، چاپ اول، جلد هشتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. ۶. بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه جمعی از نویسندگان: تهران: انتشارات مطالعات راهبردی
۷. ۷. بهشتی، سیدمحمد (۱۳۶۴). مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱: بی جا
۸. ۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد (بی‌تا). الغرر و الدرر، جلد پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. ۹. حر عاملی، محمدبن حسن (بی‌تا). وسائل الشیعه، جلد‌های هشتم و دوازدهم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. ۱۰. حرانی، ابن شعبه حسن ابن علی (۱۳۷۶). تحف العقول، بی‌جا:
۱۱. ۱۱. جر خلیل (۱۳۹۱). فرهنگ لاروس، تهران: امیر کبیر
۱۲. ۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). نسبت دین و دنیا، چاپ اول، قم: نشر اسراء
۱۳. ۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). جرعه‌ای از صهبای حج، تهران: نشر مشعر.
۱۴. ۱۴. دهخدا علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۱۵. ۱۵. دری نجف آبادی، قربانعلی، (۱۳۷۹) نگاهی به امنیت از منظر امیر مؤمنان<sup>(ع)</sup>، مجله حکومت اسلامی شماره ۱۸،
۱۶. ۱۶. دشتی، محمد، (۱۳۷۹) ترجمه و شرح نهج البلاغه، قم، انتشارات مشهور،
۱۷. ۱۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم (۱۴۰۴ ق). المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، انتشارات خدمات چاپی
۱۸. ۱۸. رحیمی، مصطفی (۱۳۵۷). قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۹. ۱۹. سیستانی، سیدعلی (بی‌تا). قاعده لاضرر و لاضرار، بی‌جا.
۲۰. ۲۰. ساروخانی، باقر، (۱۳۸۰) دایره المعارف علوم اجتماعی، جلد اول، تهران، انتشارات کیهان

۲۱. ۲۱. شیخ صدوق (بی‌تا). عیون اخبارالرضا، ج ۲، بی‌جا.
۲۲. ۲۲. طباطبایی سید محمدحسین (بی‌تا). تفسیر المیزان، ج ۹، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. ۲۳. عالیخانی، محمد (۱۳۷۳). حقوق اساسی، تهران: انتشارات دستان.
۲۴. ۲۴. عمید، حسن (۱۳۶۳). فرهنگ عمید، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
۲۵. ۲۵. عاملی، شیخ حرّ (بی‌تا). وسائل الشیعه، ج ۲۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. ۲۶. قرشی سید علی‌اکبر (بی‌تا). قاموس قرآن، ج ۳، بی‌جا.
۲۷. ۲۷. کاظمی علی‌اصغر (۱۳۷۴). زنجیره تنازعی در سیاست و روابط بین‌الملل: انتشارات قومس.
۲۸. ۲۸. ماندل، رابرت (۱۳۷۷). چهره امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ناشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۹. ۲۹. مجلسی محمدباقر (۱۳۷۰). بحارالانوار، ج ۳، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۳۰. ۳۰. مطهری مرتضی (۱۳۷۸). پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: صدرا.
۳۱. ۳۱. مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۰). تفسیر نمونه، ج ۳، قم: انتشارات مدرسه امیرالمؤمنین.
۳۲. ۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). استفتائات جدید، جلد اول، چاپ دوم، قم: انتشارات مدرسه امیرالمؤمنین.
۳۳. ۳۳. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۴۵). الرسائل، قم.
۳۴. ۳۴. موسوی خواه سیدرضا، (مرداد و شهریور ۱۳۷۷) «آزادی مطبوعات»، «خط قرمز کجاست؟»، مجله حقوق و اجتماع، شماره ۹، ۴۱.
۳۵. ۳۵. مفید، محمد، (۱۳۶۷) الجمل و النصره لسید العترة فی حرب البصره، تهران، نشر نی.
۳۶. ۳۶. نظافت، فرامرز (۱۳۸۰). تفاوت‌های جرائم سیاسی و امنیتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
۳۷. ۳۷. نجفی، محمدحسن (بی‌تا). جواهر الکلام، ج ۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. ۳۸. نوروزی کامبیز (۱۳۷۷). «آزادی مطبوعات از اخلاق تا حقوق»، مجموعه مقالات دومین سمینار مطبوعات، جلد اول، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.